مجله «سیندخت» را با دختران افغانستانی ایران ورق بزنیم

هوای شهر کابل داره یار جان

ترانه بنی یعقوب
گزارش نویس

مجله «سیندخت» برای دختران افغانستانی ایران، طعم موسیقی احمد ظاهر و «هوای پغمان» دارد: «قبای چیت ز بلبل داره یار جان/ دوازده‌بند کاکل داره یار جان/ هوای شهر کابل داره یار جان» سیندخت تجربه بالیدن در کشوری است که حالا دیگر وطن آنهاست با رگ و ریشه‌ای مشترک که باید بندهایی از آن را در قم و تهران و بندهایی را در هرات و کابل جست‌وجو کنند.

«هر وقت آنجا می‌رفتم ذهنم را به خانه‌های قدیمی ایتالیایی می‌برد که رخت‌های آویزان در تراس نقلی‌شان چشم نوازی می‌کند. قسمتی از مجتمع را به بوفه کوچکی اختصاص داده بودند که خانمی آن را اداره می‌کرد. نگهبان هم سید پیری بود که بچه‌ها دوستش داشتند. این مدرسه‌ها در قم به صورت شخصی اداره می‌شد و دانش‌آموزانش مدارک اقامتی نداشتند؛ در اتاقی نسبتاً تاریک، با فرش شش متری کهنه و آشفته حالی که معلوم بود سالیان زیادی را زیر پای صاحبانش گذرانده بود. می‌گفتند قبل از اینکه کلاس درس ما شود، خانواده‌ای آنجا زندگی می‌کرده که بنا به دلایل نامعلوم آنجا را ترک کرده بودند. هر وقت از بچه‌ها می‌پرسیدم می‌خواهید چکاره شوید، مجبور می‌شدم سؤالم را با سکوت و گاهی با بغض پس بگیرم. این سؤال برای بچه‌های مهاجر که آینده نامشخصی دارند، سخت است. همیشه با خودم فکر می‌کردم توی دنیا چه کاری سخت‌تر از بزرگ شدن هست؟»

این بخشی از روایت حلیمه اکبری ساکن قم است که در سومین شماره مجله الکترونیکی سیندخت منتشر شده. مجله‌ای که توسط دختران افغانستانی ساکن ایران منتشر می‌شود و پر است از روایت‌های دخترانه. در مجله‌شان هم صحبت از سختی‌های مهاجرت است هم سخن از وطن و دلتنگی و سال‌ها تجربه و دغدغه ریز و درشت دیگر که فقط می‌تواند از سال‌ها زندگی در کشوری حاصل شده باشد که برای برخی این روزها با وطن‌شان تفاوت زیادی ندارد. روایت‌ها گاه با زبان طنز نوشته می‌شود و گاه از زبان شخص دیگری اما هرچه هست تصویر دقیق‌تری از زندگی زنان مهاجری ارائه می‌دهد که شاید ما کمتر درباره‌شان خوانده و شنیده باشیم. مجله سیندخت هم نسخه الکترونیکی دارد و هم صوتی.

در این مجله همچنین تا بخواهید می‌توانید روایت‌هایی بخوانید که بوی کابل و مزار شریف می‌دهد. مثل شماره دوم آن که به قول خودشان آشپزی غذای وطنی است و چه چیز بهتر از غذا و مراحل پختش که بتواند آدم‌ها را با فرهنگ یک سرزمین آشنا کند: «آدم وقتی به قورمه سبزی و آبگوشت تهرانی عادت کرده باشد سختش است که یکهو در دمادم آفتاب سر ظهر کابل، بشنود که صاحبخانه می‌گوید چطور است منتو درست کنیم و تو میهمان هستی و با شک می‌پذیری. نه با شک و بددلی که با شک و دل خواهی و کند و کاو از برای اینکه منتو دیگر چه جور غذایی می‌تواند باشد؟ کدام طعم را در دهان آدم زنده می‌کند؟ از کجا آمده است و چطور از دیگ بخار خودش را نجات می‌دهد و وارد دهان آدم می‌شود؟ میهمان یک خانواده کابلی بودم. دختری تازه سفر کرده به افغانستان که در عمرش چند بار بیشتر آشپزی نکرده...» این روایت را همچنین می‌توانید با لهجه زیبای افغانستانی گوش کنید و از شنیدن موسیقی زیبای این کشور هم لذت ببرید. اینکه منتو و در کنارش خورشت قرمز رنگش چگونه درست می‌شود و چگونه یک دختر را بعد از مدت ها با سرزمین مادری اش آشنا می‌کند.

> در نشریه سیندخت بیشتر بچه‌ها سابقه داستان نویسی دارند برای همین تصمیم گرفتیم دور هم جمع شویم و نشریه‌ای داشته باشیم که بیشتر از خودمان بگوییم و بیشتر سراغ روایت‌های واقعی مهاجران و بویژه دختران برویم. روایت‌هایی که کمتر شنیده و خوانده‌ایم. ما تلاش کردیم موضوعات‌مان را بدون جهت‌گیری خاصی مطرح کنیم

معصومه امیری، سردبیر مجله سیندخت درباره انتشار این نشریه متفاوت می‌گوید: «نشریه ما به روایت دختران افغانستانی ساکن ایران می‌پردازد. این دخترها بیشترشان متولد ایران هستند و پدر و مادر مهاجر دارند یا نسل سوم مهاجرانند که حتی پدر و مادرهایشان هم در ایران متولد شده‌اند. تا الان سه شماره از سیندخت منتشر شده و موضوع هر شماره نشریه در شماره قبلش اعلام می‌شود و فراخوان دریافت آثار هم داده می‌شود. طرح انتشار این نشریه ایده دوست نویسنده‌ای بود که معتقد بود ادبیاتی که مهاجران تولید می‌کنند، بیشتر توسط قشر نخبه چه در جامعه میزبان و چه بین خود آنها مصرف می‌شود و پیوند مورد نیاز را با بدنه جامعه ندارد.» معصومه متولد ایران است، لیسانس شیمی دارد و یک سالی است که در افغانستان زندگی می‌کند.

برای همین اعضای هیأت تحریریه سیندخت قالب روایت را انتخاب کردند که نه به اندازه خاطره، شخصی است و نه به اندازه داستان، نخبه پسند. روایت‌های این نشریه به زبان ساده نوشته شده و موضوعاتی هستند که با زندگی روزمره ارتباط دارند. موضوعاتی که نشان می‌دهد یک دختر افغانستانی ساکن ایران از چه منظری به زندگی نگاه و فکر می‌کند.

معصومه امیری در یکی از روایت‌هایش می‌نویسد: «یک جایی نوشته بودم موهای بلوطی. پرسیده بود، بلوطی چه رنگی است و من درنگ کرده بودم که چه جواب بدهم. باز گفته بود آدم نباید رنگی را بنویسد که دیگرانش نمی‌دانند. گفتم دیگران کی هستند؟ گفته بود، دیگران خودت. فکر کردم کجا این رنگ را یاد گرفته‌ام توی یک رمان یا فیلم خارجی که توفیری نمی‌کرد. راستی چرا نگفته بودم سنگکی سوخته. چون راویانند که تصمیم خواهند گرفت که بعدها چه خواهد بود و چه نخواهد بود. راویانند که فاتح‌اند نه اینکه فاتحان راوی باشند چه چیز از گذشته خواهد آمد جز روایت؟»

معصومه اخلاقی، طراح و عضو هیأت تحریریه این نشریه هم می‌گوید که با دوستانش در این نشریه در دوره‌های داستان‌نویسی آشنا شده: «شماره اول سیندخت را که خواندم خوشحال شدم که بچه‌ها خودشان دست به کار شده‌اند تا این کلاس‌ها چنین خروجی داشته باشد. شماره اول سیندخت که منتشر شد با دوستان قدیم دوباره تماس گرفتم و خواستم من هم به یاری‌شان بیایم. صفحه آرایی نشریه را آغاز کردیم. من مدتی با یک نشریه کار کرده بودم و نکاتی هم از روزنامه نگاری می‌دانستم. نکاتی که خوشحالم این روزها به کار آمده.»

فاطمه مروج مهر، دیگر عضو هیأت تحریریه نشریه سیندخت سال‌ها سابقه داستان‌نویسی دارد؛ هم در مجله های ایران و هم افغانستان.

او می‌گوید: «در نشریه سیندخت بیشتر بچه‌ها سابقه داستان‌نویسی دارند برای همین تصمیم گرفتیم دور هم جمع شویم و نشریه‌ای داشته باشیم که بیشتر بتوانیم از خودمان بگوییم و بیشتر سراغ روایت‌های واقعی مهاجران و بویژه دختران برویم. روایت‌هایی که کمتر شنیده و خوانده‌ایم. ما تلاش کردیم موضوعات‌مان را بدون جهت‌گیری خاصی مطرح کنیم. زندگی یک مهاجر همیشه دو وجه دارد یکی مشکلات و محدودیت‌هایی که به خاطر دوری از وطن و زندگی در جای دیگر به وجود می‌آید و بعد دیگر همان روزمرگی و جریان زندگی عادی است که برای هر انسانی به فراخور محیطی که در آن زندگی می‌کند، اتفاق می‌افتد. ما سعی کردیم تمرکزمان را روی وجه دوم بگذاریم یعنی روی زندگی اجتماعی دختران افغانستانی در ایران تا آنها بتوانند زندگی، تجربیات و دغدغه‌شان را بازگو کنند بدون اینکه بخواهیم صرفاً به مشکلات یا مسائل مهاجرتی بپردازیم.»

شاید برای همین سوژه‌هایی که برای هر شماره نشریه انتخاب شده براساس همین دیدگاه است. مثل شماره اول سیندخت که درباره شوهر خارجی است؛ موضوعی که برای هر دختر افغانستانی که در ایران زندگی می‌کند، ملموس است.

مسائل اجتماعی مثل عشق، همسایگی، کار، تحصیل در دانشگاه هم در این نشریه دیده شده.

با این همه در مطالب نشریه نمی‌توان مشکلات مهاجران را ندید آن طور که فاطمه مروج درباره‌اش توضیح می‌دهد: «موقع نوشتن مسائل خاص مهاجرت سراغ آدم می‌آید. زندگی ما با این مسائل و محدودیت‌ها عجین شده و هر چقدر هم بخواهیم از روزمرگی‌ها بنویسیم حتماً مسائل مهاجرت هم در آنها نقش دارد اما با این همه تلاش‌مان را کردیم که مشکلات را در روایت‌ها پررنگ نکنیم. دوستان تحریریه هم تلاش می‌کنند روایت‌های جذابی انتخاب کنند. برخی روایت‌ها با زبان طنز نوشته شده، برخی از زبان کودکی‌هایشان. گاهی هم روایت‌ها شخصی نبوده و از زبان شخص دیگری گفته شده است.»

فاطمه معتقد است این تجربه برایش بسیار ارزنده بوده و انتشار این نشریه کمک کرده به زندگی خودش و اطرافیانش عمیق‌تر نگاه کند و روایت‌های دیگران را با دقت بیشتری گوش کند.

اعضای هیأت تحریریه نشریه الکترونیکی سیندخت فعلاً برای انتشار نسخه چاپی مجله برنامه‌ای ندارند و به قول خودشان از عهده مخارجش هم بر نمی‌آیند اما امیدوارند روزی بتوانند ادبیات مهاجران را وارد جریان اصلی ادبیات کنند. آنها معتقدند این شکل نگاه کاملاً جدید است و در ادبیات افغانستان و حتی ایران کمیاب. نشریه‌ای که نویسندگانش فقط زنان هستند. آنها امیدوارند برخی روایت‌های برگزیده‌شان را سرانجام چاپ کنند و این قدمی باشد برای یک نشریه چاپی معتبر تا شاید تصویر کلیشه‌ای از مهاجران رنگ و بوی واقعی‌تر و انسانی‌تری بگیرد.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۴۷۱

آسان

۹		۴		۲	۳		۱	
		۸	۶	۴	۱		۷	
						۴		
	۲			۹			۵	۷
	۹	۵	۳		۴	۶	۲	
۷	۸		۱				۴	
		۲						
	۴			۵	۹	۸		
۴		۶		۱	۲		۳	

متوسط

۹		۶		۵	۱			۷
					۶			۵
	۲		۴	۸		۹		
						۴	۹	۹
	۸		۹	۴	۳		۵	
۴	۵							
	۹			۷	۵		۲	
۲					۴			
۸		۱	۹		۷	۱		۳

سخت

		۶			۳			
	۸	۵	۲		۶			
۲						۷		
	۶							۴
	۹	۲	۶		۴	۵	۳	
۸						۶		
	۱							۷
			۷		۹	۸	۴	
			۴			۶		

خیلی سخت

۶						۷		
		۵		۸				
		۸	۴	۵		۱	۶	
۷					۹	۴		۲
۸		۹	۲					۶
	۱	۳		۷	۸	۶		
				۹		۲		
		۷						۱

حل جدول سودوکو شماره ۳۴۷۱

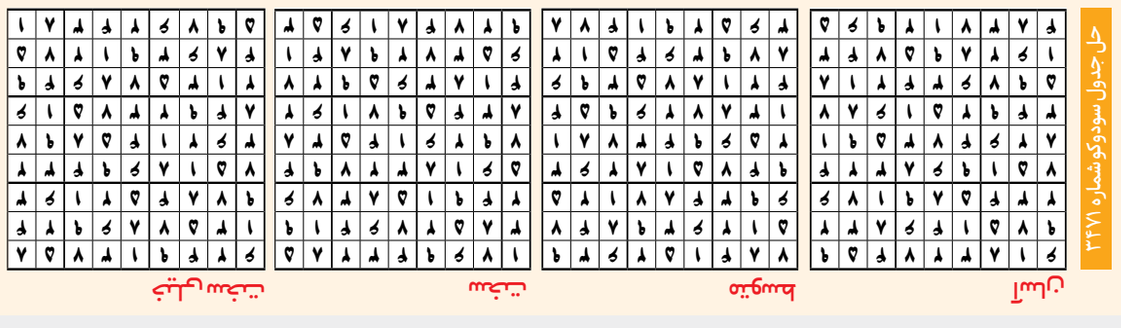

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۴۳۷

جدول عادی

افقی:

۱- گردش و تفریح دسته‌جمعی در بیرون شهر- کار بدون دقت و سرسری!
۲- کاهش خرید و فروش- میوه کال- پی بردن
۳- بازارچه سرپوشیده- نوعی ظرف بسته‌بندی- اندازه و مقدار
۴- یک حرف و سه حرف- قرزدن- شعبه، فرقه- صدا
۵- تنها- خندان و خوشحال- دربرگرفتن
۶- کارگردان «بن هور»- کلاه لبه‌دار از جنس ماهوت- خشکی
۷- ظرف دوجداره- یکرو، مخلص- تن‌پوش ماهی
۸- پیدا کرد- بزرگترین پاداش دعا- ریزه کردن نان در شیر یا آبگوشت
۹- پول «ترکیه»- تنبل- یک نوع شیرینی که مواد اولیه آن آردنشاسته است
۱۰- سفید آذری- صندوق کوچک- میاهوو سروصدا
۱۱- فراز- جمع شرط- نغمه و غنا
۱۲- کناره و حاشیه- از مراتب علمی دانشگاهی- فروغ ایزدی- نژادی زردپوست
۱۳- تهیدستان- ویران کننده- شرح خبر
۱۴- مدد- چربی پخت غذا- حفره بسته در بدن
۱۵- واجب و لازم- گلزن «پرسپولیس»

عمودی:

۱- موی انبوه!- ششمین شهر پرجمعیت امریکا
۲- تک تک- سزاوار- خواربارفروش
۳- بالش وزیرسری- فراوان- نام مردانه
۴- بانگ- از مواد لبنی- محل- دیدگاه‌ها
۵- بخشی از زیست‌شناسی- یادگرفتن- دریا
۶- شهر جشنواره- پیش از این- باتری
۷- مترادف «آشغال»- حرف شنوو مؤدب- حصار
۸- چسب نجاری- گل نومیدی- جزیره ایرانی
۹- بی‌عزت و بی‌آبرو- موجب سرافکندگی- گودال
۱۰- چشم‌پوشی- درغربت می‌زنند- نه عامی
۱۱- من و شما- همگام و همراه- رگ لاغر
۱۲- هدهد- شمای فرانسوی- چیره شدن- پارسا، پاکیزه
۱۳- بهنجار- گروه هم مسلک- ماشین نویسی
۱۴- سکوی شیرجه- برگه ورودی- نوعی پیچ گوشتی
۱۵- توحید و باور به یک خدای یگانه و بی همتا- واحد اندازه‌گیری شدت زمین لرزه

جدول ویژه

افقی:

۱- اتومبیل پرسرعت- فیلم «گور وربینسکی»
۲- کتابی از «ژان ژاک روسو»- تزویرکننده- نیستان
۳- تیرگی خاطر- فقر الدم- سخت فرنگی
۴- حرف سه دندونه- خزیدن روی زمین- ماه سریانی- شیرینی تولد
۵- پول ژاپن- ظرف دوجداره برای نگهداری مایعات- ضد «دشمن»
۶- لباس بافته‌شده- برگزیده از هر چیز- انبار کشتی
۷- دوخط یک زاویه- تفنگ شکاری- پرنده‌ای خاکستری
۸- نفوذ کردن- پدید آوردن- بسیار روان
۹- روی هم چیدنی دیوار- فریب خوردن- خودروی سنگین
۱۰- کچل- فیلم «پگاه ارضی»- نام پسرانه
۱۱- هویدا- شهر «قلعه ضرغام»- تکان
۱۲- بازیکن هم تیمی- نوعی رژیم غذایی- ماه سرد- مخفف آواز
۱۳- در شیشه نوشابه- ابزاری در مطبخ- پایتخت فراعنه
۱۴- خراب- ریزه آتش- صدا
۱۵- نویسنده «هرتزوگ»- نوعی از لاستیک خودرو

عمودی:

۱- دامن بلند- فیلسوف یونانی
۲- این بازیگر می‌خنداند- حتمی- چیزها
۳- شهری در «فرانسه»- ایجاد وحشت در جامعه- رجحان
۴- سرین- وسیع- بوی کهنگی- آینه مقعر
۵- مردم فریبی- بالای چشم- برج کج
۶- پس ندادنی خسیس!- بیم- آن که کاری را شروع کند
۷- به معنی زایش- شبکه بین‌المللی ارتباط مالی بین بانکی- فرشته ماهی
۸- نام «یونسی» بازیگر خانم- در کدام مکان؟- لاین آهسته رفتن ماشین
۹- ملاطفت- مایعی در چشم- آوای گریه
۱۰- مراسم بزرگداشت- مقابل «کاتد»- دانه‌ای که در میان گندم روید
۱۱- رودی در «فرانسه»- دل درد از پری معده- ضد «تنبیه»
۱۲- بیابان- عدد خیطی!- گلزن سابق «پرسپولیس»- دائم
۱۳- ادب- کشوری در «آفریقا»- خطاب بی ادبانه
۱۴- فیلم «احمد انصاری»- فرض- یکی از سرداران سپاه ایران در زمان اشکانیان
۱۵- نام پرنده‌ای- پوشش پشت بام در قدیم

حل جدول عادی شماره ۷۴۳۶

حل جدول ویژه شماره ۷۴۳۶